روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸
توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵
www.sharghdaily.ir
یکشنبه ۲۳ مهر ۱۴۰۲ • ۲۹ ربیع‌الاول ۱۴۴۵ • ۱۵ اکتبر ۲۰۲۳ • سال بیست‌ویکم • شماره ۴۶۷۱ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۱:۵۰ • اذان مغرب ۱۷:۴۸
اذان صبح فردا ۴:۴۸ • طلوع آفتاب ۶:۱۱

روزنامه شرق

دیالوگ روز

تاریک‌ترین لحظات - جو رایت - ۲۰۱۷
وینستون چرچیل (گری اولدمن): موفقیت پایان کار نیست،
شکست هم نابودکننده نیست.
فقط یک چیز اهمیت دارد
و آن شجاعت ادامه‌دادن است.

• خراسان شمالی به دلیل برخورداری از آب و هوای مناسب، منطقه‌ای ویژه برای احداث مراکز پرورش ماهی است. در این استان ۱۰۲ مزرعه پرورش ماهی سردابی و ۱۳۰ مزرعه گرمابی وجود دارد که سالانه بیش از دو هزار تن ماهی در آنها تولید می‌شود. عکس: وحید خادمی، شرق

زلزله‌های مهر ۱۴۰۲ هرات و هراس از زمین‌لرزه‌ها

مهدی زارع

زلزله چهارشنبه ۱۹ مهر ۱۴۰۲ با بزرگای ۶.۳ در زنده‌جان هرات، در غرب افغانستان و در حدود صدکیلومتری شرق مرزهای ایران سومین زلزله از سلسله زلزله‌های شدید و با بزرگای بیش از شش هرات از روز ۱۵ مهر ۱۴۰۲ بود. در این زلزله سوم، تمامی ۷۰۰ خانه روستای چاهک را که از لرزه‌های چهار روز قبل سالم مانده بود، با خاک یکسان شد. از چاهک تلفات جانی گزارش نشد، زیرا مردم در این هفته از ترس جان خود در چادرها پناه گرفته‌اند، زیرا لرزش‌های هرات همچنان ادامه دارد. البته پس از این زلزله سوم گزارش‌هایی مبنی بر موفقیت پیش‌بینی‌هایی متعدد انجام‌شده در این منطقه منتشر و ادعاهایی مبنی بر اثر این پیش‌بینی‌ها بر زنده‌ماندن مردم در رخداد سوم مطرح شد. درهرحال مشخص است که همه این ادعاها غیرعلمی یا شبه‌علمی بود و هیچ مبنایی هم نداشت و ندارد. تمامی این ادعاها از سوی افراد اساسا غیرعلمی یا غیرمتخصص در زمین‌لرزه‌خیزی و خطر زمین‌لرزه انجام شده است. مسئله آن است که اظهارنظرکنندگان بلااستثنا از لرزه‌خیزی منطقه غرب افغانستان به کل بی‌اطلاع بوده و هستند.

آنها پیچیدگی‌های لرزه‌خیزی این منطقه را حمل بر نبود مطلق دانسته‌های علمی گرفته‌اند و گمان برده‌اند که با اظهارنظرهای گوناگون و مبهم، در تاریکی خبری و دانشی! می‌توانند همواره پیروز باشند. چنین فرضی به کلی نادرست است؛ چراکه دانسته‌های متخصصان زمین‌شناسی و زلزله‌شناسی از سامانه گسله هرات اتفاقا کم نیست و بر اساس همین دانسته‌ها نیز می‌توان تصویری هرچند کلی از وضع اکنون و آینده لرزه‌خیزی منطقه در دست داشت. از سوی دیگر زلزله‌های هرات اولین رویدادی در افغانستان بود که در آن متخصصان زلزله‌شناسی و زمین‌شناسی افغانستانی نیز که به‌ویژه در لابراتوارهای مختلف در جهان مشغول کار و تحصیل هستند، بلافاصله به پردازش داده‌های موجود از این زمین‌لرزه‌ها پرداختند و نتایج اولیه خوبی را در همان روزهای اول پس از زلزله‌های ۱۵ مهر ۱۴۰۲ در صفحات شبکه‌های اجتماعی به اشتراک گذاشتند. این موضوع هشداری به علاقه‌مندان به هشدارهای مبهم از جنس پیش‌بینی‌های قطعی و فرامین تخلیه خانه‌ها یا به پایان رسیدن زلزله‌ها در هرات است. چندان هم عرصه خالی نیست و هر اظهار بی‌ربطی شبیه به اظهارات آن فرد هلندی (که به اشتباه زلزله‌شناس هلندی خوانده می‌شود)، به‌سرعت راستی‌آزمایی می‌شود.

البته متأسفانه از هرات خبر می‌رسد که هنوز عده‌ای از مردم در شهر هرات از این اخبار ادعای پیش‌بینی نگران هستند و به خانه و زندگی‌شان برنمی‌گردند. روستاییان از اینکه خانه‌ها و احشام خود را که اغلب تنها دارایی‌هایشان است، از دست بدهند، نگران هستند. از سوی دیگر مردم نگران ماه‌های سخت زمستانی هستند. برخی می‌گفتند که قبلا زلزله‌ای ندیده بودند و پرسش می‌کنند که لرزش زمین چه زمانی متوقف می‌شود. دیگران هم می‌گویند از ترس اینکه «زمین باز شود و هر لحظه ما را ببلعد» آرامش خاطری در داخل چادرها ندارند.

کانون زمین‌لرزه روز شنبه -همچنین به همان بزرگای ۶.۳- در حدود ۴۰ کیلومتری شمال غرب مرکز استان/ولایت هرات بود و چندین پس‌لرزه قوی هم بلافاصله رخ داد. تعداد زلزله‌های با بزرگای بیش از چهار در هفت روز اول پس از رخداد زلزله‌های ۱۵ مهر ۱۴۰۲ به ۲۵ رخداد رسیده است. مقامات محلی می‌گویند که بیش از دوهزارو ۵۰۰ نفر در سراسر ولایت هرات در این زمین‌لرزه‌ها کشته شده‌اند. آنها متعاقبا گفتند که این زمین‌لرزه‌ها هزاران کشته و زخمی بر جای گذاشته، اما آماری از جزئیات تلفات تاکنون ارائه نشده است. در منطقه زنده‌جان بازماندگان در تلاش برای کنارآمدن با ازدست‌دادن چندین عضو خانواده هستند و در بسیاری از نقاط، تعداد ساکنان زنده از داوطلبانی که برای جست‌وجوی آوار و حفر گورهای دسته‌جمعی آمده بودند، بیشتر است. در نایب رفیع، روستایی که قبلا حدود دوهزارو ۵۰۰ نفر سکنه داشت، به‌جز مردانی که هنگام وقوع زلزله در بیرون کار می‌کردند، تقریبا هیچ‌کس زنده نیست. بازماندگان تمام روز با بیل مکانیکی کار می‌کردند تا گورهای بزرگی را برای دفن دسته‌جمعی حفر کنند. اکنون اعلام می‌شود که نزدیک به دوهزار خانه در ۲۰ روستا ویران شده است. منطقه زلزله‌زده فقط یک بیمارستان (شفاخانه) دولتی دارد. فرحان حق، معاون سخنگوی سازمان ملل متحد سه‌شنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۲ گفت زنده‌جان با بیش از هزارو ۳۰۰ کشته و نزدیک به ۵۰۰ نفر ناپدید بیشترین تلفات را داده است.

در این زلزله لرزش‌ها در خراسان رضوی و جنوبی نیز حس شد. در شهر مشهد و اطراف آن که حدود ۱۹۰ تا ۲۱۰ کیلومتر با کانون زلزله‌های هرات فاصله دارد، لرزیدند، ساختمان‌های بلند و وجود خاک نرم موجب تشدید امواج لرزه‌ای زلزله‌های هرات و لرزش شدید به‌ویژه در طبقات بالای ساختمان‌های مرتفع شد. این منطقه ارتباطی با زلزله‌های هرات ندارد و طبیعی است که در اثر رخداد زلزله‌های هرات انتظار زلزله‌ای تحریک‌شده در منطقه مشهد نداشته باشیم. در خود منطقه مشهد گسل کشف‌رود با راستای شمال باختری- جنوب خاوری به طول ۷۴ کیلومتر از شمال مشهد می‌گذرد. در جنوب مشهد، گسل نیشابور در زمین‌لرزه‌های ۱۲۷۰ و ۱۴۰۵ میلادی با گسیختگی سطحی همراه بوده است؛ به‌گونه‌ای که در زلزله سال ۱۲۰۹ میلادی بخش نیشابور از شهر نیشابور در باختر تا روستای دانه در شرق (جنوب شرق نیشابور در بخش زبرخان) کاملا ویران شده، ضمن آنکه در زمین‌لرزه ۱۳۸۹ میلادی در کوه‌های بینالود سبب ویرانی تعداد زیادی روستا شده است.

در داخل شهر مشهد، گسل کشف‌رود در شمال مشهد به نام گسله توس و گسل شمال مشهد هم شناخته می‌شود و زلزله‌های تاریخی ۱۵۹۸، ۱۶۸۷ و ۱۸۸۳ در محدوده این گسل رخ داده‌اند. بخش زیادی از روندهای گسله در محدوده شهر مشهد سطح گسل با آبرفت جدید پوشیده شده است. آبراهه‌ها از کوهپایه‌های جنوب و جنوب غرب مشهد در مخروط افکنه‌ها با عبور از روی گسل‌های فعال در این محدوده دچار انحراف در مسیل در محدوده دشت مشهد می‌شوند. جنوب مشهد به نام گسل سنگ‌بست-شاندیز شناخته می‌شود. زلزله مشهد در سال ۱۶۷۳ میلادی، خرابی‌های زیادی ایجاد کرده و گنبد و گلدسته‌های حرم مطهر امام رضا(ع) نیز در این زلزله آسیب دیده‌اند.

تحلیل‌خوانی

وقتی فرهنگ و جامعه از علم عقب می‌مانند

امیر صدری
پزشک و روزنامه‌نگار

در کارگاه «انگ‌زدایی از بیماری ایدز» شرکت می‌کنم. کلی آدم جالب با کلی حرف‌های جالب آنجا هستند.

حالا آن تصویر وحشتناک دیو دوسر بیماری که ابتدا ناتوانت می‌کند، بعد نابودت می‌کند و بعد جانت را می‌گیرد، به تاریخ پیوسته است.

حالا علم پزشکی توانسته با درمان‌های دارویی (دو یا سه دارویی) میزان بار ویروس را در بدن مبتلایان به صفر برساند و این به معنای آن است که حالا مبتلایان -در صورت تحت درمان قرارگرفتن- طول عمری مشابه جامعه عمومی خواهند داشت و از آن هم مهم‌تر دیگر بیماری را به فرد دیگری انتقال نخواهند داد.

این یک پیروزی مطلق برای علم است که ترسناک‌ترین بیماری اواخر قرن پیش را به بیماری مزمن و کاملا قابل علاج در آغاز این قرن بدل کرده است.

اما این پیروزی کامل نیست. حداقل در ایران کامل نیست.

مشکل کجاست؟ در مراجعه‌نکردن مبتلایان برای دریافت درمان! دردم آمد وقتی مدیر برنامه ملی مبارزه با ایدز گفت: «مهم‌ترین مشکل ما در راه کنترل بیماری ایدز در کشور، استیگما (انگ) مربوط به این بیماری و ایجاد تبعیض در رفتار با بیماران است».

باور کردنش برای من سخت بود که علم بیماری درمان‌ناپذیر را درمان‌پذیر کرده، اما افراد در خطر ابتلا برای مشخص‌شدن ابتلا داشتن یا ابتلا نداشتن خود به بیماری مراجعه نمی‌کنند و در نتیجه امکان درمان‌شدن خود و مبتلا نکردن دیگران را از بین می‌برند. چرا؟ به خاطر همین انگ و تبعیض.

باور کردنش سخت بود، اما زمانی که به حاضران، جملگی پزشک و کادر درمان، گفته شد فرض کنید یکی از عزیزان‌تان مبتلا به ایدز شده، چه احساسی پیدا می‌کنید؟ مشخص شد که حتی پزشک‌بودن و داشتن اطلاعات هم برای پاک‌کردن آن انگ پنهانی چسبیده به این بیماری کافی نیست.

سال‌هاست در کنار جامعه مبتلایان به اماس هستم و همیشه یادم هست که یکی از مبتلایان در مطلبش برای مجله نوشته بود: «اسم این بیماری برای ما از خودش بدتر بوده است... رفتاری که در محل کار و خانه با من شد، از خود بیماری بدتر بود...».

اماس هم «انگ» دارد و برای همین است که بسیاری از مبتلایان بیماری خود را انکار می‌کنند و بسیاری دیگر بیماری خود را حتی از عزیزان‌شان پنهان می‌کنند.

در ادامه برنامه پزشکی پشت میکروفون از تحقیقی که در آمریکا روی ۹۳ انگ مختلف -که بسیاری از آنها به بیماری‌ها، معلولیت‌ها و وضعیت سلامتی ربط دارند- می‌گوید. عدد ۹۳ متأسفانه در ایران حتما بیشتر است.

در جست‌وجویی ساده می‌بینیم که در همین چند ماه گذشته پزشکان و متخصصان و مدیران فعال در رشته‌ها و حوزه‌های مختلف خواستار انجام اقدامات برای «انگ‌زدایی» از ناباروری، اوتیسم، اختلالات روانی و حتی کرونا شده‌اند.

چند هزار نفر، چند میلیون نفر، در کشورمان به خاطر «انگ» پیگیر تشخیص و درمان خود یا عزیزان‌شان نشده‌اند؟

علم کار خودش را می‌کند، اما فرهنگ انگار عقب مانده است. جامعه هم عقب مانده است. وظیفه یک فرد خاص و یک اداره خاص نیست. این وظیفه همه ما است. دانش با انگ‌زنی در ستیز است. باید علم و دانش خودمان را افزایش دهیم و بعد ابتدا خودمان و بعد در دیگران با انگ‌زنی مبارزه کنیم. این مسئولیت اجتماعی تک‌تک افراد این کشور است که همین امروز باید برایش اقدام کرد.

یادداشت

با گذشت ۲۰ روز برخی دانش‌آموزان هنوز کتاب ندارند

حسین معافی
کارشناس مسائل آموزشی

اکنون که ۲۰ روز از شروع سال تحصیلی می‌گذرد، هنوز برخی از کتاب‌های درسی متوسطه دوم در برخی استان‌ها توزیع نشده و بسیاری از اولیا و دانش‌آموزان سردرگم هستند و هر روز به صورت تلفنی یا حضوری کسری کتاب‌های درسی را دنبال می‌کنند. چند سالی است که سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی با هدف رضایت‌مندی اولیا و دانش‌آموزان در تهیه کتاب درسی و همچنین صرفه‌جویی در مصرف کاغذ، شیوه توزیع کتاب‌های درسی را از حالت سنتی که از طرف کتاب‌فروشی‌ها انجام می‌شد، تغییر داده و به شیوه جدید با ثبت‌نام در سامانه فروش کتب درسی و توزیع از طرف مدرسه انجام می‌شود. مسئولان سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی مهم‌ترین هدف از شیوه جدید توزیع کتاب‌ها در سامانه را نفع اقتصادی خانواده‌ها، صرفه‌جویی در مصرف کاغذ و کاهش توزیع کتاب‌های درسی سال قبل عنوان می‌کنند. تجارب در چند سال گذشته نشان می‌دهد که نه‌تنها به این اهداف نرسیده‌اند، بلکه مشکلات زیادی را برای مدارس و خانواده‌ها به وجود آورده‌اند. همچنین برخی دانش‌آموزان انتقالی به مدارس دیگر یا انتقالی از استان‌های دیگر و کسانی که تغییر رشته داده‌اند، با وجود پرداخت هزینه کتاب‌های درسی هنوز کتاب‌های خود را دریافت نکرده و علت را به‌روزرسانی نشدن سامانه فروش کتب درسی با سامانه‌های سیدا و پادا یا کلاس‌بندی نشدن در مدارس عنوان می‌کنند. مسئولان در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی مشکل را در مدیریت توزیع کتاب‌های درسی در استان‌ها می‌دانند که در این چند سال هنوز فکری برای آن نشده که خود جای سؤال دارد و استان‌ها نیز مشکلات موجود در توزیع کتاب‌های درسی را به ناهماهنگی سامانه‌های مدارس و نداشتن نیروی انسانی گره می‌زنند. در ضمن به گفته خود مسئولان در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی ۳۵۰ هزار دست کتاب درسی بیش از آمار دانش‌آموزان کل کشور چاپ شده که این امر بحث صرفه‌جویی در کاغذ را زیر سؤال می‌برد و دیگر احتیاجی به ثبت سفارش در سامانه نیست؛ درحالی‌که طبق اطلاعات سامانه‌های سال گذشته می‌توان آمار دقیق کتاب‌های درسی در هر استان را مشخص کرد. نکته تأمل‌برانگیز اینجاست که قبل از انتشار فایل کتاب‌های درسی در فضای مجازی، کتاب‌های کمک درسی منتشر شده و فروش درخور توجهی هم دارند. این در حالی است که خیلی از دانش‌آموزان هنوز کتاب درسی به دست‌شان نرسیده است. ثبت‌نام کتاب‌های درسی از فروردین امسال شروع شده و مدارس یا خانواده‌ها هزینه‌ها را برای بیشتر دانش‌آموزان پرداخت کرده‌اند که اگر از حدود ۱۵میلیون دانش‌آموز تنها ۱۰ تا ۱۲ میلیون به طور متوسط نفری صد هزار تومان پرداخت کرده باشند، رقم بسیار زیادی پول به حساب سازمان واریز شده که سود آن در این چند ماه مبلغ درخور توجهی خواهد شد. نکته مهم این است که مسئولان نظارتی در آموزش و پرورش باید توجه داشته باشند که کتاب‌های درسی سر از بازار سیاه درنیاورند و عده‌ای به دنبال سوءاستفاده از این بحران نباشند. در واقع همه چالش‌ها، مسائل و مشکلات توزیع کتاب‌های درسی را مدیران مدارس بر عهده دارند و کلی وقت از عوامل مدرسه صرف این امر می‌شود که این موضوع یکی از مشکلات فعلی توزیع کتاب‌های درسی است و باید حتما تدبیری برای آن اندیشیده شود. با توجه به وجود چنین مشکلاتی یا باید شیوه ثبت‌نام و توزیع کتب درسی را دوباره تغییر داد یا اینکه ایرادات کار را بررسی و اصلاح کرد و به سمتی پیش برد که دغدغه دانش‌آموزان، خانواده‌ها و مدارس کمتر شده و تا قبل از شروع سال تحصیلی همه کتاب‌ها به دست دانش‌آموزان برسد. برای رهایی مدارس و خانواده‌ها می‌توان با همان ثبت‌نام در سامانه و توزیع از سوی کتاب‌فروشی‌های منتخب و قابل اعتماد و با نظارت دستگاه‌های مربوطه بسیاری از مشکلات مطرح‌شده را مرتفع کرد.

زنان

آزار به شیوه استثمارگرانه

فرارو گزارشی از گاردین را ترجمه کرده که درباره شرایط زنانی است که برای کار خانگی به امارات می‌روند. این گزارش دربرگیرنده مصاحبه‌هایی است که در چندین سال گذشته با ۱۴ زن از شرق آفریقا و فیلیپین انجام شده و در آن زنان تجربیات خود با آژانس‌های استخدام و کاریابی در امارات متحده عربی را بازگو کرده‌اند. این زنان جزئیاتی از تجربیات خود درباره غذا خوردن، اسارت و رفتار خشونت‌آمیز را بیان کرده‌اند. گاردین در یک بازه زمانی سه‌ساله با برخی از این زنان صحبت کرده است. برخی از آنان پس از دریافت کمک از سفارتخانه‌های خود در امارات اکنون به کشورهایشان بازگشته‌اند و می‌توانند در فضایی امن درباره تجربیات خود شهادت دهند. باوجوداین چند نفر از افرادی که با آنان صحبت شده، می‌گویند شخصا زنان دیگری را می‌شناسند که در محل اقامت آژانس کاریابی به دام افتاده‌اند. به گزارش «گاردین» شواهدی موجود است که نشان می‌دهد آن زنان به شیوه «استثمارگرایانه» که یادآور عصر برده‌داری است، در بازار امارات عرضه می‌شوند. به گفته یکی از کارشناسان، کارفرمایان برای خدمات ارائه‌شده از طرف کارگران و خدمتکاران خانگی سیاه‌پوست پول کمتری پرداخت می‌کنند و حتی برای آنان اتاق خواب مناسب نیز فراهم نمی‌کنند. مهاجران در امارات ماه‌ها منتظر موافقت یک کارفرما برای دریافت شغل باقی می‌مانند. زنان اغلب با خواست کارفرما به آژانس‌های کاریابی بازگردانده می‌شوند. یکی از زنان کارگر خانگی می‌گوید: «زمانی که هواپیما در فرودگاه فرود آمد، کارکنان آژانس کاریابی پاسپورت‌های‌مان را از ما گرفتند؛ سپس به یک خانه رفتیم. در یک اتاق کوچک ۹ نفر از ما کنار یکدیگر خوابیدیم. در آنجا استفاده از گوشی تلفن همراه مجاز نبود. با هم روی زمین دراز می‌کشیدیم تا زمانی که کسی ما را بخرد». همه افراد مصاحبه‌شده برای یافتن کار در امارات متحده عربی در کشورهای خود استخدام شدند و بسیاری از آنان انتظار داشتند که بلافاصله پس از رسیدن به دوبی از طرف یک کارفرما استخدام شوند. در عوض، آنان تا چند ماه در محل اقامت آژانس خود حبس شدند، بدون اینکه حقوقی برای حمایت از خانواده‌های‌شان که در زادگاه‌شان به سر می‌بردند، دریافت کنند. «آنجلیکا پاین» ۲۸ساله در سال ۲۰۱۹ میلادی به مدت چهار ماه از طرف یک آژانس به اسارت گرفته شده بود. او ادعا می‌کند که یکی از کارکنان زن آن آژانس با او بدخلقی کرده و او را با لگد زده و وسایل شخصی‌اش را گرفته است. «مری» ۳۴ساله اهل کنیا در امارات گرفتار شده و به گاردین می‌گوید می‌خواهد کارفرمایش را ترک کند. او از کارکردن بیش از ۱۸ ساعت در روز، بدون مرخصی و با حقوقی معادل ۳۲۷ دلار (۲۷۰ پوند) در ماه خسته شده است. او ادعا می‌کند کارفرمایانش با نصب دوربین‌های مداربسته در اتاق خوابش نیز او را کنترل می‌کنند و می‌گوید به همین خاطر پوشیدن و عوض‌کردن شلوار هم برایش دشوار شده، زیرا می‌داند آنان می‌توانند او را ببینند. گاردین ده‌ها مورد از این آگهی‌ها را در فیس‌بوک، اینستاگرام و تیک‌تاک جایی که عکس‌های زنان در کنار اطلاعات شخصی‌شان نمایش داده می‌شود، پیدا کرده است. در آگهی منتشرشده هشت زن را نشان می‌دهد که به صف ایستاده‌اند و لباس‌های یونیفرم به رنگ آبی پوشیده‌اند و نوشته شده است «ما خدمتکاران خانه از کشورهای مختلف ارائه می‌دهیم». شرایط کار و زندگی برای خدمتکاران نیز بر اساس نژاد تعیین می‌شود. در یکی از سایت‌ها آمده است: «هر خدمتکار فیلیپینی سه‌هزارو ۵۰۰ درهم (۹۵۲ دلار) به ازای یک ماه، هر خدمتکار آفریقایی دوهزارو ۷۰۰ درهم (۷۳۵ دلار) به ازای یک ماه». این وب‌سایت بیان می‌کند که خدمتکاران فیلیپینی برای خوابیدن به اتاق خواب مخصوص به خود نیاز دارند؛ درحالی‌که خدمتکاران آفریقایی این‌گونه نیستند. سخنگوی دولت امارات متحده عربی درباره این موضوع گفت: «امارات متحده عربی سیاست مدارای صفر را در قبال سوءاستفاده از محل کار حفظ می‌کند. قانون امارات متحده عربی همچنین هرگونه سوءاستفاده از کارکنان را درباره حقوق‌شان ممنوع کرده است».

تاریخ‌خوانی

تمدن‌های باستانی زیر آتش موشک‌ها

محمد سرابی: در عمق خاک میدان جنگ، تاریخ طولانی زندگی انسان‌ها دفن شده است. غزه منطقه‌ای بسیار تاریخی است که گذشته باستانی آن در دود جنگ و محاصره و درگیری‌های خونین پنهان شده است. محدوده‌ای که امروزه به نام نوار غزه و شهر غزه می‌شناسیم، گذرگاه تمدن‌های بزرگ مدیترانه، مصر، یونان و خاورمیانه بود. محدوده شرق مدیترانه مانند سرزمین‌های یخ‌زده شمال اروپا و جنگل‌های بارانی جنوب آمریکا و دشت‌های میانه آفریقا نیست که در آن کشف یک سرنیزه سنگی، دستاورد باستان‌شناسی عجیبی باشد. هزاران سال است که تمدن‌های انسانی در فلسطین شکل گرفته و منقرض شده‌اند. چهره‌های تاریخی بزرگی مانند اسکندر مقدونی و ریچارد شیردل در آن جنگیده‌اند و ارتش مملوکان مصر با عبور از غزه اولین شکست بزرگ را به سیل ویرانگر مغولان وارد کرد. نزدیک چهار هزار سال قبل کنعانی‌ها در غزه ساکن بودند تا وقتی که پادشاهان سلسله هیکسوس مصر بر آن تسلط پیدا کردند. فراعنه غزه را به‌عنوان یک قلعه در مقابل تمدن‌های آسیای صغیر و خاورمیانه در نظر گرفته بودند. به‌جز تورات، نام غزه در متون مصری، آشوری و بعدتر در تاریخ یونان بارها آمده است. ۳۰۰ سال قبل از میلاد شهر غزه به دست اسکندر فتح و تبدیل به یکی از مراکز سکونت هلنی شد تا زمانی که به امپراتوری روم ملحق شد. در دورانی که غزه یکی از استان‌های امپراتوری بود، اقوامی با ادیان مختلف در آن سکونت داشتند. با رشد مسیحیت، معابد رومی و یهودی در خطر قرار گرفتند و بعد از رسمیت‌یافتن مسیحیت ادیان دیگر به حاشیه رفتند. با ظهور اسلام و در جریان نبرد میان مسلمانان با حکومت روم شرقی، این منطقه به تصرف درآمد و از آن زمان فرهنگ اسلامی-عربی بر آن غالب شد. غزه در نقشه حکومت‌های اموی و عباسی قرار گرفت و تاریخ آن تا فاطمیان و سلجوقیان و جنگ‌های صلیبی ادامه پیدا کرد و پس از حمله مغولان به امپراتوری عثمانی رسید. شهرها و روستاهای غزه بارها کاملا تخریب شدند و دوباره به شکل محل سکونت درآمدند. در چند مقطع کاوش‌های باستان‌شناسی در آن انجام شده، اما به دلیل شرایط سیاسی ادامه نیافته است. سایت «تل السکن» که در سال ۱۹۹۸ به صورت تصادفی کشف شد، نشانه‌هایی از یک سکونتگاه وسیع در دو هزار سال قبل از میلاد را داشت که می‌توانست بخشی از روابط بین مصر و فلسطین را روشن کند، اما تحقیقات علمی در این سایت در سال ۲۰۰۲ متوقف و در سال ۲۰۱۷ نیز سایت تخریب شد. غزه هیچ‌گاه پایتخت یا استان مرکزی نبود و همیشه زیر سایه شهرها و مناطق دیگر تمرکز جمعیت در اطراف خود قرار داشت، اما به دلیل موقعیت جغرافیایی خاص اغلب اهمیت راهبردی پیدا کرده است. غزه باستانی زیر شهر غزه فعلی و در زمان ما، درست در زیر اردوگاه بزرگی که به نام نوار غزه شناخته می‌شود، قرار دارد. با شرایط ناگوار زندگی در غزه و آتش جنگ که دائما زبانه می‌کشد، حساسیت‌های باستان‌شناسی و تاریخ‌نگاری درباره این منطقه، فرصتی برای کاوش پیدا نخواهند کرد.